

چرا ورزش ایران پیشرفت نمی کند؟

پیامی که رقابت کیمیا علیزاده و ناهید کیانی در پاریس با خود به همراه داشت



افشین امیرشاهی

سردبیر آنلاین هم‌میهن

کاروان بدون مدال ایران در بیشتر رشته‌های ورزشی در المپیک پاریس؛ این ماجرای همیشگی ورزش کشورمان است. داستان کشتی به‌عنوان ورزش اول ایران را که کنار بگذاریم، در رشته وزنه‌برداری نیز توفیق داشته‌ایم. پس از آن با اختلاف در تکواندو نیز شانس‌هایی برای مدال آوری داشته‌ایم. در سایر رشته‌ها اما وضعیت کاملاً متفاوت است. گاهی با ظهور تک‌ستاره‌هایی غافلگیر شده‌ایم و دست‌مان به مدال رسیده است. ولی روال معمول «هیچ» بوده است.

اگر وضعیت ورزشکاران ایرانی در المپیک‌های دوره قبل را بررسی کنیم متوجه می‌شویم که در تمام دوره‌ها در هفته اول روی سکونزفته‌ایم و هیچ مدالی دشت نکرده‌ایم. المپیک ۲۰۲۰ توکیو یک استثنا بود که جواد فروغی در هفته اول یک شگفتی خلق کرد و در رشته تیراندازی، ایران را صاحب یک مدال تاریخی کرد. اما تیم ایران همیشه از هفته دوم و سوم مدال گرفته است؛ یعنی از جایی که کار به رقابت ورزشکاران جهان در سه رشته کشتی، تکواندو و وزنه‌برداری می‌رسد. ورزش ایران در طول تاریخ المپیک موفق شده ۷۶ مدال به دست بیاورد که از این تعداد ۴۷ مدال مربوط به کشتی، ۲۰ مدال برای وزنه‌برداری، ۶ مدال متعلق به تکواندو، یک مدال برای تیراندازی، یک مدال برای کاراته و یک مدال برای دوومیدانی است. در واقع ورزش ایران در تمام دوره‌های المپیک فقط در کشتی و وزنه‌برداری درخشیده است و گاهی هم نتواند به کمک ورزش کشور آمده است.

امسال نیز اگر چه برخی از ورزشکاران ایران خوش درخشیدند، اما باز هم نتیجه همان چیزی بود که انتظار می‌رفت، بدون مدال و بدون موفقیت. حتی وقتی که رضا علیپور در سنگنوردی، تنها با اختلاف چندصدم ثانیه به فینال نرسید یا مهدی الفتی ملی‌پوش ژیمناستیک و پرچمدار کاروان ایران در المپیک پاریس که با پرش زیبا در فینال وسیله پرش خرک و فرود نامطمئن عنوانی بهتر از هفتمی جهان به دست نیاورد. شمشیربازان هم امسال رقابت‌های نزدیک و جانانه‌ای داشتند و هر چند شایستگی بسیاری از خودشان به نمایش گذاشتند اما در نهایت به عنوانی بهتر از چهارمی دست پیدا نکردند. حتی کوتاه ماندن دست‌شان از مدال را به داوری مسابقه‌ها نسبت دادند. تیم‌های قایقرانی و دوومیدانی ایران نیز در این دوره هیچ موفقیتی کسب نکردند. حتی فرانزه‌فصیحی در میان دوندگان جهان عنوانی بهتر از پنجاهم به دست نیاورد و این مسئله نشان می‌دهد که یکی از بهترین دوندگان کشورمان چه فاصله‌ای با ورزشکاران جهان دارد.

ایران در سه رشته شنا، تیراندازی با کمان و دوچرخه‌سواری جاده هم یک نماینده داشت. در دوچرخه‌سواری جاده، نماینده ایران پس از ۱۶ سال ناکامی توانست به خط پایان برسد. در واقع همین به خط پایان رسیدن، یک کامیابی به حساب آمد. حتی اگر او با نفر اول ۲۶ دقیقه و ۵۹ ثانیه فاصله داشته باشد. نیما و نوشاد عالیمان و ندا شهبواری، پینگ‌پنگ‌بازان کشورمان نیز هیچ موفقیتی کسب نکردند.

اینجا این پرسش مطرح است که چرا سال‌های طولانی است که ورزش کشورمان در جا می‌زند. چرا نمی‌توانیم به موفقیت چشمگیر برسیم؟ دلایل ناکامی همیشگی ما چیست؟ آیا مثل همه دوره‌های قبل تنها باید به کسب سهمیه المپیک بسنده کنیم و پیروزی در مسابقه‌ها و رفتن روی سکوها‌های قهرمانی همچنان برایمان آرزویی دست‌نیافتنی باشد؟ کشورهایی که در المپیک، بزرگترین عرصه ورزشی جهان به موفقیت رسیده‌اند چه سیاست‌ها و برنامه‌هایی داشته‌اند؟ مدیران ورزشی کشور چه تلاش‌هایی برای احیای جایگاه ورزشی ایران باید انجام بدهند؟ چرا ورزش ایران پیشرفت نمی‌کند؟ این در حالی است که ورزشکاران ایران در برخی از رشته‌ها بسیار با استعداد نشان دادند. اما همان‌ها نیز نتوانستند به موفقیت برسند.

چند روز دیگر که بازی‌های المپیک پاریس تمام شد، لازم است یک ارزیابی دقیق و برنامه‌ریزی اصولی برای آینده ورزش ایران صورت پذیرد. هر چند همه می‌دانیم پول نیست، امکانات نیست، نگاه آینده‌نگر وجود ندارد، زنان ورزشکار حمایت نمی‌شوند و با مشکلاتی دوچندان مواجه هستند، ضعف مدیریتی داریم و در یک کلمه چشم‌انداز روشنی از آینده نداریم، اما با همه اینها، مدیران و مسئولان کشور وظیفه دارند تلاش کنند و برای بروزرفت از این وضعیت برنامه داشته باشند. لازم است یک کمیته ارزیابی عملکرد ورزش ایران تشکیل شود و مسیر حرکت ورزش کشور برای چهار سال آینده مورد بازبینی قرار گیرد. وگرنه چهار سال دیگر دوباره شاهد همین روند تکراری ناکامی‌های ورزشی خواهیم بود.

اما داستان ورزش ایران به همین جا ختم نمی‌شود. رقابت المپین‌های کشورمان را از زاویه دیگر نیز می‌توان بررسی کرد. آن‌هم مسئله ورزشکاران پناهنده المپیک ایران است که در این دوره بیشترین نفرت تیم پناهندگان را تشکیل دادند. ۱۴ نفر از ۳۲ ورزشکار تیم پناهندگان در پاریس را ایرانی‌ها تشکیل دادند. اگر به این نفرت کیمیا علیزاده، تکواندوکار موفق ایران که با پرچم

بلغارستان رقابت کرد و همچنین صبح شریعتی کشتی‌گیر سندجی عضو تیم ملی کشتی فرنگی آذربایجان را هم اضافه کنیم، می‌شود شانزده نفر. این تعداد ورزشکار پناهنده ایرانی می‌تواند یک زنگ خطر مهم برای کشور باشد. در میان نفراتی که در تیم پناهنده‌ها عضویت دارند برخی هایشان مدال‌های آسیا و اروپا دارند. جزو نخبه‌های ورزش ایران به‌شمار می‌روند. وقتی رقابت‌هایشان را زیر پرچم دیگری به جز ایران می‌بینیم ناراحت و غمگین می‌شویم. به خصوص دو مسابقه صبح شریعتی کشتی‌گیر سندجی در تیم آذربایجان مقابل میرزازاده که با خداحافظی صبح همراه بود و در پایان روی شانه‌های میرزازاده، دور خداحافظی زدو سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی ایران هم او را همراهی کرد. خداحافظی از تشک کشتی با حضور ایرانی‌ها و نه آذربایجانی‌ها.

و مصاف حساس ناهید کیانی و کیمیا علیزاده که تلخ بود و ناخوشایند. کیمیا علیزاده در این دوره نشان داد که همچنان خودش را ایرانی می‌داند و علاقه‌مند به پرچم ایران. او در المپیک پاریس نیز مانند توکیو کمربندی بسته بود که نامش را با ترکیب رنگ پرچم ایران روی آن حک کرده بودند. رقابت کیمیا و ناهید اما احساس تناقض عجیبی داشت. ایران در مقابل ایران. یکی برنده شد و یکی بازنده. ایران برد و ایران باخت. حس تقابل دو هموطن. شاید بتوان گفت مدال‌های نقره و برنز تکواندو زنان در وزن منهای ۵۷ را دو ایرانی به دست آوردند. بیشترین بازتاب را این مسابقه در افکار عمومی داشت.

جدای از حس عجیب رقابت دو بانوی ایرانی در نبردی تن به تن در بالاترین سطح ورزشی جهان، اما نحوه برخورد صداوسیما با این پدیده هم در دوره قبل و هم امسال در خاطره‌ها ماندگار است. وقتی بیژن خراسانی گزارشگر پر حاشیه و روی اعصاب صداوسیما در المپیک توکیو حتی یک بار هم نام کیمیا علیزاده را در گزارش خودش به زبان نیاورد. امسال نیز رسول مهریانی، گزارشگر صداوسیما اگر چه اسم کیمیا را بر خلاف دوره گذشته بر زبان برد اما چندین بار به شکل اغراق گونه تاکید می‌کرد که ایران فقط یک نماینده در وزن منهای ۵۷ دارد و شاهد رقابت ایران با نماینده بلغارستان هستیم. در انتها نیز وقتی دو ورزشکار ایرانی روی سکو رفتند و پس از مراسم اهدای مدال‌ها یکدیگر را طولانی مدت در آغوش گرفتند، صداوسیما این صحنه را سانسور کرد. غافل از اینکه دیگر سانسور معنی و مفهومی ندارد و همه مردم این صحنه را در شبکه‌های اجتماعی بارها و بارها دیدند.

اما نکته پایانی اینکه متأسفانه در سال‌های اخیر مهاجرت ورزشکاران ایرانی به کشورهای دیگر شدت گرفته است. اما دلایل افزایش مهاجرت نخبگان ورزشی چیست؟ هنوز داغ مهاجرت شطرنج‌بازان در چه یک کشورمان تازه است؟ کیمیا علیزاده هم و بسیاری دیگر از ورزشکاران ایرانی. چرا یک قهرمان ورزشی باید ترک وطن کند؟ حضور چهره‌های شاخص ورزشی و فرهنگی ایران زیر پرچم سایر کشورها هر سال چشم مردم جهان را به خودش خیره می‌کند. این مسئله روی سیمای فرهنگی ایران تأثیر منفی می‌گذارد و از کشورمان چهره‌ای می‌سازد که نخبگانش دوست ندارند زیر پرچم کشورشان به رقابت ورزشی بپردازند. سیمای صلح دوستی ایران را خدشه‌دار می‌کند و یک تبلیغ منفی برای کشور با سابقه کهن فرهنگی و تاریخی است. در عین حال برای مردم ایران نیز پذیرش این مسئله سخت و ناگوار است. اینکه رقابت دو هموطن ایرانی را نظاره گر باشند؛ مسئله‌ای که در کشتی، تکواندو، شطرنج و سایر ورزش‌ها پیش آمده است.

از سوی دیگر مهاجرت متخصصان ورزشی اثرات زاینباری بر فرآیند رشد و توسعه ورزش ایران بر جای می‌گذارد. نخبگان ورزشی نماد و سمبل یک ملت در مجامع بین‌المللی هستند. در عین حال ورزش و ورزشکاران همه عرصه‌های زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ورزشکاران ملی یک سرمایه بزرگ انسانی به‌شمار می‌روند. ورزش در همه عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، تربیتی و اجتماعی سرمایه‌ساز است و جایگاه مهمی در حوزه اقتصاد دارد. متأسفانه چند وقتی است که برخی از ورزشکاران ایران دل‌سرد شده‌اند و جلا وطن می‌کنند. برخی از ورزشکاران به دلایل سیاسی از ایران می‌روند و نفوذ گرایش‌های سیاسی در ورزش و برخی فشارها را عاملی برای ترک وطن می‌دانند. برخی برای یافتن فرصت‌های شغلی از ایران می‌روند، برخی به دنبال رفاه بیشتر هستند و گروهی عوامل حرفه‌ای را در نظر می‌گیرند. اما هر چه هست آزادی‌های اجتماعی، مسائل سیاسی، دخالت مدیران در روند پیشرفت ورزشکاران، پشت خط ماندن نخبگان ورزشی، نبود شایسته‌سالاری، بی‌مهری مسئولان، افزایش جهانی شدن و عواملی از این دست باعث شده که ورزشکاران ایرانی به رفتن فکر کنند.

به نظر می‌رسد که مدیران عالی‌رتبه ایران و وزارت ورزش و جوانان باید هر چه زودتر سیاست‌هایی اتخاذ کنند که منجر به افزایش امید به زندگی در میان ورزشکاران شود؛ سیاست‌هایی که امیدواری را در میان اهالی ورزش بیشتر کند. نگاه به آینده را تقویت کند و بداندن مسئولان کشورشان به آنها بها می‌دهند. در غیر این صورت به دلیل کیفیت بالای زندگی در کشورهای توسعه‌یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه مانند ایران، همچنان فکر ورزشکاران‌مان درگیر رفتن و ماندن خواهد بود. هم‌اکنون باید به فکر چاره بود که شاید فردا دیر باشد.

آخرین تلاش دموکرات‌ها برای آتش‌بس



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

گروه خبر: رئیس‌جمهور آمریکا بار دیگر بر لزوم پایان دادن به جنگ غزه تاکید کرد. معاون او و نامزد اصلی جمهوری خواهان در انتخابات آتی آمریکا نیز خواستار برقراری آتش‌بس شد. ارتباط میان آمریکا و اسرائیل، راهبردی، پیچیده و پرافت‌وخیز است. در حال حاضر آمریکا از یک سو اسرائیل را در جنگ غزه حمایت می‌کند چراکه خود را ملزم به پشتیبانی و حفظ موجودیت رژیم تل‌آویو می‌داند. اسرائیل در این جنگ هیچ خط قرمزى ندارد. این رژیم در آخرین اقدام خود، با بمباران یک مدرسه در غزه و قتل ده‌ها غیرنظامی، واکنش‌های بین‌المللی را برانگیخت.

با توجه به کشتار ۴۰ هزار نفر در این جنگ، ویرانی بیش از ۶۰ درصدی نوار غزه، خطر وقوع فاجعه انسانی، نامشخص بودن نتیجه درگیری و تأثیرگذاری مستقیم بر تنش در دیگر مناطق خاورمیانه، آمریکایی‌ها به دلایل مختلف خواستار پایان دادن به این جنگ هستند. برخی تحلیلگران با توجه به تحولات داخلی آمریکا، اینطور تحلیل می‌کنند که نتایج‌ها با طولانی‌تر کردن این جنگ، در تلاش برای تأثیرگذاری بر انتخابات آمریکا، کمک به پیروزی ترامپ، بالا بردن تنش در منطقه و حفظ حضور ایالات متحده در خاورمیانه است.

بمباران مدرسه

منابع خبری بامداد شنبه از شهادت بیش از ۱۰۰ فلسطینی در حمله هوایی اسرائیل به یک مدرسه در شهر غزه خبر دادند. به گزارش الجزیره، بیش از ۱۰۰ نفر در حمله به مدرسه‌ای در محله الدراج در مرکز غزه در هنگام نماز صبح، شهید شدند. بر اساس این گزارش، در این مدرسه که محل اسکان پناهجویان بوده است، ده‌ها نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند. از سوی دیگر ارتش اسرائیل مدعی شده که یک مدرسه را در غزه که محل فرماندهی نیروهای حماس بوده، هدف قرار داده است.

زمان آتش‌بس رسیده است

حساب رسمی جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا روز گذشته به وقت تهران، از برقراری تماس میان امیر قطر، رئیس‌جمهور مصر و خودش میان طرفین درگیری میان اسرائیل و حماس خبر داد و نوشت: «زمان نهایی کردن توافق آتش‌بس و

آزادی گروگان‌ها و زندانیان فرا رسیده است. جایی برای وقت تلف کردن نیست.» کاملاً هریس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا نامزد حزب دموکرات نیز که در جریان تبلیغات خود به آریزونا سفر کرده بود، با جمعی از حامیان فلسطین روبه‌رو شد که تجمع حامیان او را مختل کردند. به گزارش الجزیره، به نقل از شبکه خبری الجزیره، هریس با متوقف کردن سخنرانی خود به صورت مستقیم خطاب به حامیان فلسطین گفت: «باید واضح صحبت کنیم. اکنون زمان دستیابی به توافق آتش‌بس و توافقی برای برگرداندن گروگان‌های اسرائیلی (اسیران صهیونیست) فرا رسیده است.» هریس همچنین به جمعیت حامیان فلسطین گفت: «جو بایدن، رئیس‌جمهور و من ۲۴ ساعته داریم بر روی توافق آتش‌بس و بازگرداندن گروگان‌ها کار می‌کنیم. من به اعتراضات شما احترام می‌گذارم اما اکنون اینجاییم تا برای انتخابات ۲۰۲۴ کار کنیم.»

قدرت لابی اسرائیل

نا توانی دولت بایدن در قانع کردن نتانیاهو به پایان جنگ در غزه، مورد توجه تحلیلگران شاخص قرار گرفت. هر کدام از ناظران، از زاویه‌ای به این مسئله نگاه می‌کنند. جان مرشایمر، استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شیکاگو با برشمردن برنامه‌های دولت آمریکا و اهدافی که درباره جنگ در فلسطین دارد، راجع به این ناتوانی در فارن آفرز نوشت: «دولت بایدن در هر مرحله از [جنگ غزه] اسرائیل حمایت کرده است و در عین حال، با ناراحتی به آنچه اسرائیل انجام می‌دهد یا نمی‌کند اعتراض می‌کند. بدتر از آن، نه کنگره، نه رهبران جمهوری خواه و نه رسانه‌های جریان اصلی، دولت بایدن را تحت فشار قرار نداده‌اند که اسرائیل را برای تغییر رفتارش به شکل معنی‌داری مجاب کند. این وضعیت نگران‌کننده این سوال واضح را ایجاد می‌کند: چرا؟ پاسخ: قدرت حیرت‌انگیز لابی اسرائیل.»

خاورمیانه با ثبات به نفع آمریکا و ضرر اسرائیل است

سیدهادی برهانی، استاد دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران به خبرنگار «هم‌میهن» گفت: «در ایران درک درستی از ارتباط آمریکا و اسرائیل وجود ندارد. می‌خواهیم با ضرب‌المثل سگ زرد برادر شغال است، ارتباط این دو طرف را تحلیل کنیم. اما حقیقت این است که در نگاه حزب دموکرات و جمهوری خواه نسبت به اسرائیل و مسائل خاورمیانه تفاوت وجود دارد. قبل از هر چیز باید بگویم که هر دو حزب بر حفظ موجودیت اسرائیل تاکید دارند و از آن دفاع می‌کنند. اما نگاه‌شان نسبت به تحولات و وقایع متفاوت است و نظرسنجی‌ها این را نشان می‌دهد. در گذشته، هر دو حزب



سیدهادی برهانی



نخبه‌پروری لازمه مهاجرت معکوس

بررسی اظهارات معاون اول رئیس‌جمهور درباره بازگشت مهاجران در گفت‌وگو با متخصصان

به نظر می‌رسد اشاره عارف به رقابت انجام‌شده میان کیمیا علیزاده و ناهید کیانی دو تکواندوکار ایرانی بود که در میدان المپیک در مقابل هم ایستادند و مبارزه کردند. دو هموطن که یکی به دلیل تنگ‌نظری‌ها و پاره‌ای از تحمیل‌ها دست به جلاوطنی زد و در تصمیمی تلخ در سرزمینی دیگر به راه خود ادامه داد و دیگری که تصمیمش به ادامه راه در سرزمین مادری بود. درباره این دو ورزشکار و تصمیم‌های هر یک که دلایل‌شان به هیچ‌عنوان مبهم نیست اما قضاوت‌های مختلفی انجام شد. مورد تشویق قرار گرفتند و البته توهین و توبیخ هم شدند. با این همه اما آغوش باز این دو ورزشکار نسبت به یکدیگر نشان داد که حضور در میدان ورزشی به عنوان رقیب این حس هموطن، هم‌خون و هم‌ریشه بودن را از بین نخواهد برد. نکته آنکه امسال هم مانند چند دوره اخیر تیم پناهندگان المپیک در میدان رقابت حاضر شد و قابل تأمل تر آنکه ۱۴ ایرانی در این تیم ۳۶ نفره حضور داشتند، یعنی تقریباً نیمی از اعضای این تیم.

با این حال عارف می‌گوید که ایران آمادگی کامل برای پذیرش فرزندان خود را دارد. اما سوال اینجاست که منظور از این آمادگی کامل چیست؟ آیا این آمادگی تنها ابعاد اقتصادی را در بر می‌گیرد یا شامل مطالبات فرهنگی و اجتماعی جامعه و به‌ویژه جمعیت زنان هم می‌شود. آیا دلایل ترک وطن روافزون ایرانیان به صورت تخصصی و کارشناسی شده احراز و راه حل رفع این دلایل هم مشخص شده یا اینکه این صرفاً ادعوی خودمانی از افرادی است که به دلیل رسیدن کارد



شادی مکی

گزارشگر هم‌میهن

«۱۴ نفر از تیم ۳۶ نفره پناهندگان در المپیک فرانسه ایرانی هستند.» آملی می‌گوید که قابل تأمل است. با این حال محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور روز گذشته تاکید کرد که «وطن آمادگی کامل برای پذیرش فرزندان خود را دارد و آن‌شاه‌الله شاهد مهاجرت معکوس باشیم. به ورزشکاران عزیز کشورمان تبریک می‌گویم که در المپیک در دو صحنه پیروز شدند. یکی صحنه رقابت بود که در خیلی از موارد مابرای اولین بار به این پیروزی رسیده بودیم. فراتر از آن در صحنه اخلاقی بود که احساس غرور می‌کردیم مخصوصاً وقتی رفتار و کردار ورزشکاران را نسبت به جوانان هموطن خود می‌دیدیم، جوانانی که به هر دلیلی تصمیم به مهاجرت گرفتند که حق هر فرد است. پیام این ورزشکاران این بود که وطن آمادگی کامل برای پذیرش فرزندان خود را دارد و آن‌شاه‌الله شاهد مهاجرت معکوس باشیم. مابرای جوانان برجسته و زنده و هموطنان عزیز که به هر دلیل مهاجرت کردند، افتخار خدمتگزارانی را ه‌دار داخل کشور را پیدا می‌کنیم.»